

## تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر سرمایه اجتماعی در ایران

سیده لیلا موسوی<sup>۱</sup>، احمد ساعی<sup>۲\*</sup>، ابوالقاسم طاهری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. استاد دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۳)

### چکیده

سرمایه اجتماعی مفهومی کلیدی در بررسی سرشت جامعه است. تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند تبعات منفی بسیاری در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی به همراه داشته باشد. یکی از متغیرهای اثرگذار بر سرمایه اجتماعی هنجارهای اجتماعی است. هنجارهای اجتماعی، به منزله مؤلفه تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی، در پژوهش‌های بسیار مورد سنجش قرار گرفته است. سؤال اصلی در مقاله پیش رو این است که آیا تغییرات در متغیرهای کلان اقتصادی بر سرمایه اجتماعی در ایران تأثیرگذار است؟ به نظر می‌رسد متغیرهای کلان اقتصادی بر وقوع و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه ایرانی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲، که دو دولت متفاوت در ایران روی کار بوده‌اند، تأثیرگذار بوده است. در این نوشتار با استفاده از روش کیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و داده‌های به‌دست‌آمده از پیمایش‌های کشوری این موضوع بررسی و تبیین می‌شود. در گام نخست تأثیرگذاری متغیرهای کلان اقتصادی، همچون تورم و بی‌کاری، بر هنجارهای اجتماعی در جامعه ایران و در گام بعد تأثیر این متغیرها بر تضعیف هنجارهای اجتماعی بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با تغییرات منفی در متغیرهای اقتصاد کلان شاهد تضعیف هنجارهای اجتماعی و به دنبال آن تضعیف سرمایه اجتماعی در کشور بوده‌ایم.

### کلیدواژگان

بی‌کاری، تورم، سرمایه اجتماعی، ناهنجاری اجتماعی، نقدینگی.

### مقدمه

اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر از معضلات بسیار رنج برده است. نقدینگی رو به افزایش، تورم بالا، که در برخی سال‌ها به تورم افسارگسیخته تبدیل شده، و بیش از ۱۰ درصد بی‌کاری در بسیاری از سال‌های سه دهه گذشته بخش مهم مشکلات اقتصاد ایران است. این برآیند منفی اقتصادی تأثیرات خود را تنها در عرصه اقتصاد به جا نگذاشته و در حوزه‌هایی همچون سیاست و عرصه اجتماعی نیز شاهد تبعات سنگین آن بوده‌ایم. به نظر می‌رسد تغییرات منفی در هنجارهای اجتماعی جامعه ایرانی در طول نیمه دهه ۱۳۷۰ تا اوایل دهه ۱۳۹۰، که دو دولت با دو رویکرد سیاسی و اقتصادی متفاوت در ایران بر سر کار بوده‌اند، تا حدود زیادی برآیند تغییرات منفی در متغیرهای کلان اقتصادی بوده است. توجه به موضوعاتی همچون رعایت سنت‌ها و ارزش‌های جامعه به مثابه بنیان‌های اخلاقی از یک سو و نقش آن در حفظ و نگاه‌داشت انسجام اجتماعی و تثبیت جایگاه قدرت سیاسی از سوی دیگر همواره مورد توجه بوده است. از سوی دیگر از گذشته تا امروز باور به اهمیت اقتصاد در حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی نیز مورد تأکید بوده است. با این همه، داده‌های به دست آمده از شرایط منفی متغیرهای کلان اقتصادی، مانند میزان نقدینگی و تورم و بی‌کاری، در کشور حکایت می‌کند. به نظر می‌رسد این شرایط موجب شده هنجارهای اجتماعی و اخلاقی در جامعه ایرانی کاهش یابد و به دنبال آن سرمایه اجتماعی نیز سیری منفی در پیش گیرد. بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص سنجش سرمایه اجتماعی در ایران در سطوح مختلف بر کاهش سرمایه اجتماعی صحنه گذاشته‌اند. بر این اساس این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که با قبول پیش‌فرض کاهش سرمایه اجتماعی در ایران، با اتکا به نتایج تحقیقات متعدد کمی و کیفی، چرا سرمایه اجتماعی در ایران کاهش یافته است؟ در پاسخ به این پرسش، با قبول وجود عوامل متعدد برای کاهش سرمایه اجتماعی در ایران، بر وضعیت منفی متغیرهای کلان اقتصادی در کشور و تأثیر آن بر تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی، به مثابه یکی از عوامل کلیدی کاهش سرمایه اجتماعی، تأکید شده است.

### مبانی و دیدگاه‌های نظری

سابقه اصطلاح «سرمایه اجتماعی» (به معنای امروزی آن) به هشتاد سال پیش و نوشته‌های لیدا جی. هانیفان، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در امریکا، برمی‌گردد (دینی ترکمانی ۱۳۸۶: ۱۴۹).

کاربرد سرمایه اجتماعی در مقالات دانشگاهی، به ویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی و اقتصاد و سیاست، با تحقیقات افرادی چون کلمن، بوردیو، پاتنام، و فوکویاما افزایش یافته است (Wall et al 1998: 259). کلمن و پاتنام از گلن لوری<sup>۱</sup> به عنوان واژه‌ساز سرمایه اجتماعی یاد کرده‌اند (تاج‌بخش ۱۳۸۴: ۵۳۵). در خصوص تعریف سرمایه اجتماعی دیدگاه واحدی وجود ندارد. سازمان همکاری توسعه اقتصادی سرمایه اجتماعی را شبکه‌های متداخلی از هنجارها و ارزش‌های مشترک تعریف می‌کند که همکاری میان افراد درون یک گروه یا همکاری میان‌گروهی را تسهیل می‌کند (OECD 2001). بانک جهانی سرمایه اجتماعی را شامل نهادها، روابط، و هنجارهایی می‌داند که کنش‌های اجتماعی را به شکلی مشابه در جامعه شکل می‌دهند (World Bank 2007). نان لین سرمایه اجتماعی را نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی می‌داند که با بازده مورد انتظار در بازار تعریف می‌شود (Lin, 1999: 21). بوردیو از افرادی است که تحقیقات گسترده‌ای در ارتباط با موضوع سرمایه اجتماعی انجام داده است. از نگاه وی سرمایه در سه قالب اساسی و بنیادی شناخته می‌شود که عبارت‌اند از سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی (فاین ۱۳۸۵: ۱۱۲). بوردیو به سرمایه اجتماعی نقش بیشتری را اختصاص می‌دهد. زیرا در جهان وی در نهایت سرنوشت مردم و آنچه برای آن‌ها رخ می‌دهد مد نظر است (Jenkins 2002: 91). او سرمایه اجتماعی را مجموع منابع، فیزیکی یا غیرفیزیکی، در دسترس فرد یا گروهی می‌داند که شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده دارند (Bourdieu in Bourdieu & Wacquant 1992: 118-119). نگاه جیمز کلمن، جامعه‌شناس مشهور آمریکایی، به سرمایه اجتماعی با نگاه بوردیو تفاوت دارد. به باور کلمن، سرمایه اجتماعی عملی است که از طریق آن بتوان به تشریح چگونگی امکان همکاری بین افراد پرداخت. سرمایه اجتماعی نزد کلمن به مثابه دستی نامرئی در سیستم نظریه اقتصادی کلاسیک عمل می‌کند (کلمن ۱۳۷۷: ۴۶۲). از بین نویسندگان، پاتنام متفاوت‌ترین رویکرد را در زمینه سرمایه اجتماعی دارد. نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام همانندی بسیاری با دیدگاه همبستگی دورکیم دارد. در همین حال او مانند توکویل درباره التزام شهروندی خوش‌بین است (فیلد ۱۳۸۶: ۱۰۹). آخرین شخصیت مطرح در بررسی و مطالعه نظری سرمایه اجتماعی فرانسوی فوکویاما است. او سرمایه اجتماعی - یعنی شبکه‌های انجمنی، ارزش‌های

جمعی، و هنجارهای فرهنگی - را عنصر کلیدی تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی در سطح کلان می‌داند (تونکیس و همس ۱۳۸۷: ۱۱۳). از دید فوکویاما، سرمایه اجتماعی پایه هنجارها و ارزش‌های مشترک در یک اجتماع و همچنین بر تمایل به جایگزینی منافع شخصی با منافع گسترده‌تر استوار است. ارزش مشترک به بازیگران اجازه می‌دهد به یک‌دیگر اعتماد کنند؛ که نوعاً اعتماد از اعضای یک اجتماع دارای رفتار مشارکتی و صادقانه و متعادل بر پایه هنجارهای مشترک رایج انتظار می‌رود. اعتماد به افراد امکان می‌دهد با دیگران معاشرت کنند و از این طریق به ظهور سرمایه اجتماعی می‌انجامد که به افراد این توانایی را می‌دهد که برای تحقق اهداف مشترک با هم همکاری کنند (شجاعی باغینی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۵۴). به باور او سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی، که همکاری و تعاون میان آن‌ها مجاز است، در آن سهیم‌اند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود. چون این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد (فوکویاما ۱۳۸۵: ۱۱). وی بر آن است که برای سنجش و تخمین سرمایه اجتماعی شیوه‌ای جایگزین وجود دارد که با سنجش هنجارهای اجتماعی غیرمولد و به تعبیری منفی در ارتباط است. به این ترتیب، به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به مثابه یک ارزش مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی یا به عبارتی انحرافات اجتماعی - از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات، و موارد مشابه - را با روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر همیاری را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی است (فوکویاما ۱۳۸۵: ۱۹). با توجه به تأکید ویژه فوکویاما بر هنجارهای اجتماعی به منزله مؤلفه سرمایه اجتماعی در این نوشتار نگاه نظری فوکویاما به سرمایه اجتماعی مورد پذیرش است.

### چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون دارد که تحلیلگران مختلف، بسته به نظرگاه‌های فکری خود، از آن صحبت کرده‌اند. مثلاً «از نظر استون سرمایه اجتماعی شامل سه مؤلفه شبکه‌ها، هنجارها، و اعتماد است» (stone 2001: 7). نارایان و کسندی مؤلفه‌های جهانی مورد تأیید در خصوص سنجش

سرمایه اجتماعی را در قالب هنجارهای اجتماعی، شبکه‌ها، اعتماد، پیوندهای محلی، گرایش به داوطلب شدن، و ویژگی‌های گروهی دسته‌بندی کرده‌اند (Narayan & Cassidy 2001: 67). با این همه، در همه دسته‌بندی‌ها در خصوص مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هنجارها جزئی جدایی‌ناپذیر از سرمایه اجتماعی قلمداد شده‌اند. تئوری سرمایه اجتماعی اصولاً از توجه به هنجارها، اعتماد، و شبکه‌های غیررسمی ریشه گرفته و باور بر این است که روابط اجتماعی منابعی در دسترس دارند (Bhandari & Yasunobu 2009: 8-9). هنجارها در واقع به مثابه دستورالعمل‌ها و قواعد رفتار اجتماعی و باورها هستند درباره آنچه به صورت معمول انجام می‌گیرد و دیگران در موقعیتی ویژه آن‌ها را تأیید یا رد می‌کنند (Groot & Schuitema 2012: 101). هاینریش پاپیتز<sup>۱</sup> هنجارها را آن دسته از اشکال رسمی رفتار تعریف می‌کند که نبود آن‌ها یا مقاومت در برابر پذیرش آن‌ها مجازات اجتماعی در پی دارد (Popitz 2017: 3). هنجارهای غیرمولد و منفی از سویی و تضعیف هنجارهای مثبت اجتماعی از سوی دیگر در جامعه وضعیتی را ایجاد می‌کند که به آنومی معروف است. بحث در زمینه ناهنجاری یا آنومی را می‌توان تا قرن ۵ پیش از میلاد و در دیدگاه‌های فلاسفه یونان باستان ریشه‌یابی کرد. «در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد؛ نخست دیدگاه ذات‌گرایانه افلاطونی که بر اساس آن ناهنجاری ماهیتی شرّ و شیطانی دارد و دلیل اصلی برهم‌زننده نظم و ثبات اجتماعی شناخته می‌شود و دوم دیدگاه زمینه‌محور سوفسطایی که نگاهی عمل‌گرایانه به ناهنجاری دارد و آن را مشکلی زمینه‌ای در نظر می‌گیرد که در آن هنجارهای سستی رفتار در نتیجه تغییرات اجتماعی فرومی‌پاشد» (Orru 1985 in Teymoori 2016: 18). در دیدگاه‌های مختلف، ذیل نظریه ناهنجاری، این موضوع پذیرفته شده که انسان ذاتاً موجودی هنجارمند است که اندیشه و عمل خود را با سنت‌ها و تعاریف رایج انطباق می‌دهد (Bernburg 2002: 729). مهم‌ترین رویکرد در زمینه ناهنجاری اجتماعی بررسی آن به مثابه وضعیتی اجتماعی است. دورکیم بر این باور بود که آنومی به معنای شکست مقررات اجتماعی و افزایش انحرافات اخلاقی است. مرتن، که بعدها کار دورکیم را دنبال کرد، چنین استدلال می‌کرد که میزان بالای ناهنجاری و انحراف زمانی ظاهر می‌شود که راه‌های قانونی رسیدن به اهداف مشخص در جامعه محدود باشد (Turners 1994: 195). از منظر بسیاری از جامعه‌شناسان ناهنجاری را باید در ابعاد کلان جامعه

---

1. Heinrich Popitz

بررسی کرد و به همین دلیل ناهنجاری با رفتارهای اجتماعی یا حتی رفتارهای فردی، که البته سوییهای اجتماعی دارند، مانند خودکشی و قتل و بی‌توجهی به قوانین، در ارتباط است. به این ترتیب می‌توان گفت «جامعه‌شناسی ناهنجاری از یک سو با دولت و از سویی دیگر با ویژگی‌های جامعه، مانند مقررات و ارزش‌های اخلاقی، در ارتباط است» (Teymoori 2016: 2). در همین ارتباط یکی از نظریات مطرح در زمینه بررسی ناهنجاری نظریه نهادی ناهنجاری یا به تعبیری IAT است که بسیاری از پژوهشگران عرصه اجتماعی بر آن تأکید می‌کنند.

مسنر و رازنفلد (۲۰۰۱) در کتاب *تبه‌کاری و رویای امریکایی* نظریه‌ای محوری در خصوص ناهنجاری ارائه دادند. آن‌ها بر این باورند که ناهنجاری وضعیتی اجتماعی است و نظریه مرتن برای مطالعه رفتار انحرافی فردی و نه ناهنجاری نهادی در سطح کلان مناسب است. بر این مبنا، آنان در نظریه ناهنجاری نهادی دیدگاه اجتماعی - اقتصادی مرتن را اصلاح و بر دیدگاه نهادمحور ساختار اجتماعی تأکید می‌کنند. بر اساس این دیدگاه نهادمحور ناهنجاری نتیجه فروپاشی نظارت اجتماعی و هنجارهای اخلاقی ناشی از ناکارآمدی نهادهای اجتماعی است (Teymoori 2016: 22). از این منظر ناهنجاری پدیده‌ای نهادمحور و وجود آن نشان‌دهنده تضعیف نهادهای اجتماعی و بر هم خوردن توازن اجتماعی است. در این میان نهادهای خانواده، اقتصاد، آموزش، و سیاست چهار نهاد محوری در خصوص حفظ جامعه از ورود به وضعیت ناهنجاری هستند که در دیدگاه نهادمحور مورد تأکید قرار می‌گیرند. افرادی مانند مسنر و رازنفلد نیز مانند مرتن به‌ویژه بر عامل اقتصاد و نقش آن در ناهنجاری تأکید می‌کنند. «محور اصلی نظریه نهادگرایی ناهنجاری این است که قدم گذاشتن در مسیر ناهنجاری و اعمال مجرمانه در جوامع زمانی رخ می‌دهد که توازن نهادی جامعه، به‌ویژه در عرصه اقتصادی، بر هم خورده باشد.» مطالعات بعدی بر اساس نظریه نهادگرایی ناهنجاری نیز (Chamlin & Cochran 1995; Maume & Lee 2003; Piquero 1998; Savolainen 2000) مسنر و رازنفلد را در این خصوص تایید می‌کنند (Muftic 2007: 631). بر اساس نظریه ناهنجاری نهادی، زمانی که متغیرهای اقتصادی به‌ویژه در عرصه اقتصاد کلان بر هم می‌خورد بر روند تحولات اجتماعی و زندگی روزمره اقشار مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد. تغییرات منفی در نهاد اقتصاد موجب می‌شود ناهنجاری اجتماعی افزایش یابد. در این خصوص اتفاق نظر وجود دارد که با تشدید

ناهنجاری‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی نیز رو به افول می‌رود. زیرا میان ناهنجاری و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای معکوس برقرار است؛ بدین معنا که با افزایش ناهنجاری شاهد افول سرمایه اجتماعی - و برعکس - هستیم. پیش‌فرض‌های نظریه ناهنجاری نهادی در ارتباط با تأثیر اقتصاد بر ناهنجاری اجتماعی و به دنبال آن سرمایه اجتماعی تاکنون در پژوهش‌های بسیاری در سطح جهان به تأیید رسیده است و آمارهای اقتصادی در ایران نیز گواه صحت ارتباط میان تغییرات در نهاد اقتصاد با ناهنجاری اجتماعی و سرمایه اجتماعی است.

### متغیرهای اقتصادی و افول هنجارهای اجتماعی در ایران

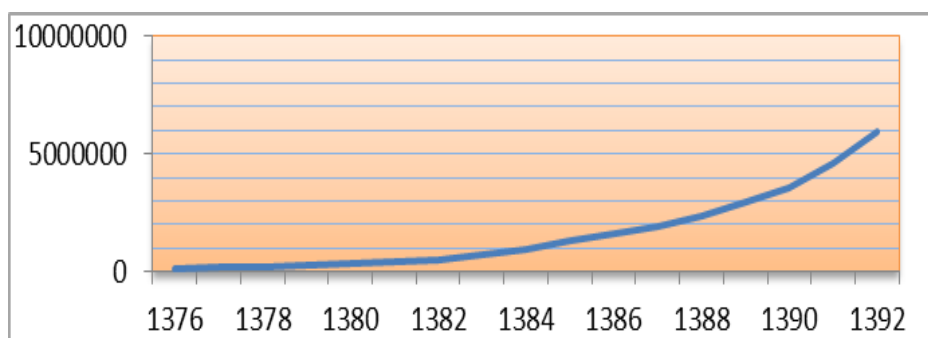
متغیرهای اقتصادی کلانی وجود دارند که از قابلیت اثرگذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه برخوردارند. در این میان می‌توان به متغیرهایی مانند افزایش نقدینگی، افزایش تورم، و در نهایت افزایش بی‌کاری اشاره کرد که تحقیقات در جوامع مختلف نشان داده پیامدهای اجتماعی و فرهنگی متعددی را به دنبال دارند.

#### نقدینگی و تورم

طبق تعاریف، نقدینگی، به منزله مهم‌ترین شاخص پولی، که نمایش‌دهنده و تنظیم‌کننده ابعاد اسمی اقتصاد است، از دو جزء پول و شبه‌پول تشکیل شده است. در خصوص علل شکل‌گیری نقدینگی مباحث فراوانی طرح شده؛ اما، در مجموع می‌توان گفت دولت‌ها و عملکرد و سیاست‌گذاری اقتصادی آن‌ها یکی از علل مهم رشد نقدینگی است. افزایش نقدینگی و به تعبیری سرعت افزایش نقدینگی در اقتصاد پیامدهای منفی بسیاری به دنبال خواهد داشت.

مطابق نمودار ۱ روند رشد نقدینگی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۹۲ به صورت مداوم در حال افزایش بوده است. این روند البته در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ کندتر از هشت سال بعد بوده است. در واقع، «پس از سال ۱۳۷۶ سرعت افزایش نقدینگی رو به کاهش نهاد. سرعت رشد نقدینگی در این مدت سالیانه ۲۲ درصد بوده است و در مجموع ۳/۹ برابر شده است» (یاورزاده و همکاران ۱۳۹۰: ۸۹). میزان نقدینگی کشور در دوران دولت‌های هفتم و هشتم از ۱۳/۴۳۱ میلیارد تومان به ۹۲/۱۰۱ میلیارد تومان رسید که نشان‌دهنده رشد سالیانه ۹/۸۳۳ میلیارد تومانی است (واعظی ۱۳۹۳: ۲۷). «حجم نقدینگی در دوران دولت‌های نهم و دهم از ۹۲/۱۰۱ میلیارد تومان به

۴۶۰,۷۰۰ میلیارد تومان رسید که مبین رشد سالیانه ۵۲,۶۵۷ میلیارد تومانی است» (واعظی ۱۳۹۳: ۲۷ - ۲۸). یافته‌های علمی در ایران حکایت می‌کند با افزایش میزان نقدینگی در دست مردم ناهنجاری اجتماعی در کشور افزایش یافته و امنیت و سرمایه اجتماعی رو به کاهش رفته است (شهبازی و همکاران ۱۳۹۰: ۲۰). این وضعیت بیش از هر چیز به دلیل ارتباط میان نقدینگی بر میزان تورم و آثار و پیامدهای اجتماعی تورم در ایران است. در واقع، افزایش نقدینگی، جدا از تأثیرگذاری مستقیم، بر دیگر متغیرهای اقتصادی مرتبط با ناهنجاری نیز تأثیرگذار است. ارتباط میان رشد نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران در پژوهش‌های بسیاری تأیید شده است. همه مطالعات انجام گرفته در این خصوص (نیلی ۱۳۶۴؛ طیبیان و سوری ۱۳۷۵؛ داوودی ۱۳۷۶؛ جلالی نائینی ۱۳۷۶؛ افشین‌نیا ۱۳۷۷؛ کازرونی و اصغری ۱۳۸۱؛ حسینی و محتشمی ۱۳۸۷؛ هادیان و پارسا ۱۳۸۷) به این نتیجه رسیده‌اند که تورم در اقتصاد ایران پدیده‌ای پولی است. این رابطه با توجه به تأکید نظریه ناهنجاری نهادی بر نقش تورم به مثابه یک متغیر تأثیرگذار اقتصاد کلان بر تشدید ناهنجاری اجتماعی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

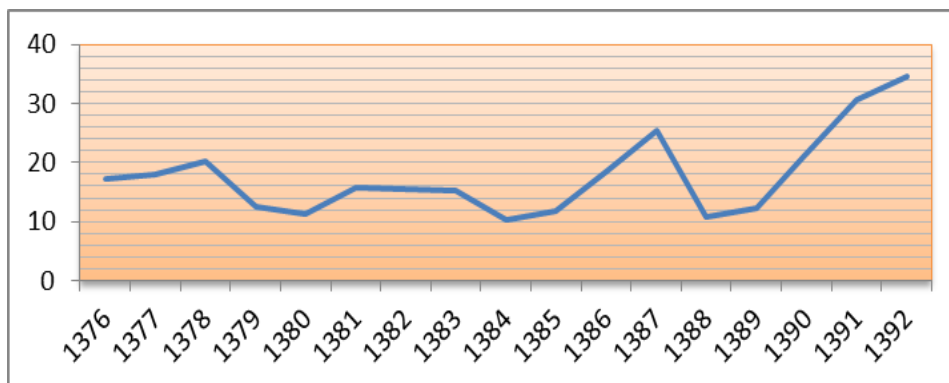


نمودار ۱. حجم نقدینگی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ (منبع: بانک مرکزی)

تورم را می‌توان افزایش کمابیش سریع و مداوم قیمت‌ها تعریف کرد. در سطح کلان تورم آثار معناداری بر همه متغیرهای کلان اقتصاد ملی باقی می‌گذارد و از این طریق فضای کلان را با هرج و مرج و تزلزل روبه‌رو می‌سازد. هنگامی که سطح ریسک و عدم اطمینان در اثر این بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیری امور افزایش پیدا می‌کند آثار اقتصادی تورم - از قبیل کاهش صادرات، افزایش



واردات، کسری تراز پرداخت‌ها، و ... - در برابر آثار غیراقتصادی آن رنگ می‌بازد و دولت را، چه در برابر عامه مردم چه در برابر رقبای خارجی، با چالش‌های خطرناک و پرهزینه مواجه می‌کند (مؤمنی ۱۳۹۴: ۱۷۳). مطالعات در اقتصاد ایران نشان داده به دلیل درون‌زا بودن منشأ پول و همچنین بی‌انضباطی گسترده دولت این نرخ با افزایش نرخ تورم ارتباط مثبت دارد (سرآبادانی ۱۳۸۶: ۱۸۵). در نهایت، علت تورم هر چه باشد، آمارها روند رو به رشد تورم در سال‌های مورد بررسی این نوشتار، یعنی ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲، را نشان می‌دهند. این روند سینوسی است؛ اما، در نمایی کلی می‌توان از حجم بالا و روند رو به رشد تورم در این سال‌ها سخن گفت که ایران را در زمره کشورهای دارای تورم پایدار بالا قرار داده است.



نمودار ۲. میزان تورم بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲

چنانچه دسته‌بندی مرسوم تورم را در سه سطح تورم ضعیف، تورم شدید، تورم بسیار شدید یا افسارگسیخته بپذیریم، در سال‌های بعد از انقلاب شاهد افت‌وخیزهای زیادی در میزان تورم و رسیدن آن به هر سه سطح مذکور در سال‌های مختلف هستیم. مثلاً، تورم از ۲۳٫۷ درصد در سال ۱۳۵۹ به ۳۵ درصد در سال ۱۳۷۳ رسید. در سال ۱۳۷۴ نیز تورم به ۴۹٫۴ درصد افزایش یافت (آقابابایی و همکاران ۱۳۹۰: ۳۵). در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به دنبال رونق اقتصادی و بهتر شدن وضع بودجه دولت میزان تورم در کشور کاهش یافت و به حدود ۱۱٫۴ درصد در سال ۱۳۸۰ رسید. در سال ۱۳۸۳ میزان تورم تقریباً ثابت ماند و سرانجام در سال ۱۳۸۴ با اتخاذ سیاست‌های

انقباضی از سوی دولت به حدود ۱۰/۴ درصد رسید (یاورزاده و همکاران ۱۳۹۰: ۸۹). در سال‌های پس از ۱۳۸۶ نیز همین شرایط وجود داشته و ایران در ابتدای دهه ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۲ با تورم افسارگسیخته روبه‌رو شد (چشمی و امیری ۱۳۸۳: ۴). فارغ از علت تورم، در خصوص چرایی تأکید بر نقش تورم در تضعیف هنجارهای اجتماعی، باید بر پیامدهای متعدد این متغیر تأکید کرد.

### تورم و ناهنجاری اجتماعی

تورم مادر بیماری‌های اقتصادی و متغیری با پیامدهای فرااقتصادی فراوان است که ارتباطی دوسویه با اخلاق و ارزش‌های اخلاقی جامعه دارد و تغییرات آن می‌تواند بر ارزش‌های اخلاقی جامعه نیز به شدت تأثیرگذار باشد. «اکثریت قریب به اتفاق اقتصاددانان بر همبستگی معنادار روندهای تورمی در یک اقتصاد با روندهای جرم و جنایت، سرقت، انواع بزهکاری، طلاق، رشوه، خودکشی، اعتیاد، اختلاس، و ... توافق دارند» (مؤمنی ۱۳۹۴: ۱۷۷). بررسی تورم به منزله عامل اثرگذار بر هنجارهای اجتماعی از مطالعات جدید در حوزه اقتصاد جرم است. نخستین بار بکر (۱۹۶۸) در مطالعه خود جرایم اجتماعی را یک فعالیت اقتصادی در نظر گرفت (زیبری و پورفائز ۱۳۹۴: ۱۸۶). مطالعات در جوامع مختلف نشان می‌دهد ارتباط قوی میان میزان تورم و میزان ناهنجاری در جامعه وجود دارد (Huppel 1976: 128). مثلاً، در مطالعه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴ در کشور هلند انجام گرفت رابطه میان تورم با طلاق و بزهکاری و قتل و خودکشی به تأیید رسید (Huppel 1976: 154). مطالعه دیگری درباره وضعیت بوداپست، پایتخت مجارستان، نیز مؤید همین رابطه است (Frisnak 2015: 1). با توجه به اینکه بر اساس معیار سنجش منفی سرمایه اجتماعی فوکویاما وقوع بیشتر انحرافات و جرایم اجتماعی به معنی میزان کمتر سرمایه اجتماعی است مطالعات نشان می‌دهد اگرچه در ظاهر سیاست‌های پولی و مالی در جهت اهداف اقتصادی دولت به اجرا درمی‌آید، این سیاست‌ها در لوای خود بر سرمایه اجتماعی جوامع تأثیر بسزایی به جا خواهد گذاشت که اغلب نادیده انگاشته می‌شود (زیبری و پورفائز ۱۳۹۳: ۱۸۷). با وجود تورم شدید یا لجام‌گسیخته سوءاخلاق میان مردم شایع می‌شود و طبقات کم‌درآمد یا با درآمد ثابت، که از تورم لطمه می‌بینند، از افراد و گروه‌های دیگر، که از تورم بهره می‌برند، ناراضی می‌شوند و در پی انتقام گرفتن برمی‌آیند (سرآبادانی ۱۳۸۶: ۴۷ - ۴۸). در عین حال، شرایط تورمی به تعبیر داگلاس نورث

مشروعیت تصویری مردم را از هر نظامی به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و از همین روست که همبستگی میان روندهای تورمی و ناهنجاری‌های اجتماعی به یک واقعیت انکارناپذیر در سراسر جهان تبدیل شده است (مؤمنی ۱۳۹۴: ۱۷۷). تورم از سویی به دلیل تأثیرگذاری بر سایر متغیرهای اقتصادی، مانند بی‌کاری، نیز حائز اهمیت است.

### تورم و بی‌کاری

بی‌کاری را باید در زمره یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز تضعیف هنجارهای اجتماعی و ظهور بزهکاری در نظر گرفت. مشاهده روند بی‌کاری در سال‌های مورد بررسی این پژوهش، یعنی فاصله زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲، نشان می‌دهد میزان بی‌کاری در این سال‌ها به صورت کلی رو به افزایش بوده است. بی‌کاری در دوران دولت‌های هفتم و هشتم از ۹/۱ به ۱۰/۳ درصد و در دولت‌های نهم و دهم از ۱۰/۳ به ۱۲/۲ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافت. بسیاری از صاحب‌نظران و تحلیلگران میزان بی‌کاری کشور در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ را بسیار بیشتر از میزان رسمی اعلام‌شده می‌دانند (واعظی ۱۳۹۳: ۲۹).

جدول ۱. میزان بی‌کاری در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۱ (منبع: مرکز آمار ایران)

۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
۱۳،۱	۱۲،۵	۱۳،۵	۱۴،۳	۱۴،۲	۱۲،۸	۱۱،۸	۱۰،۳	۱۱،۵	۱۱،۳	۱۰،۵	۱۰،۴	۱۱،۹	۱۳،۵	۱۲،۳	۱۲،۲

با مشاهده داده‌های آماری مشخص می‌شود در بسیاری از سال‌های مورد بررسی این پژوهش در کمتر سالی می‌توان میزان بی‌کاری زیر ۱۰ درصد را مشاهده کرد. تداوم میزان بی‌کاری بالای ۱۰ درصد زمانی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند که ارتباط میان بی‌کاری و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی روشن شود.

### بی‌کاری و ناهنجاری اجتماعی

بی‌کاری حتی در تصور مردم جوامع سنتی نیز عامل افزایش جرایم مختلف شناخته شده است. تأثیر بی‌کاری بر افزایش ناهنجاری اجتماعی و بزهکاری را می‌توان از دو منظر بررسی کرد. از بعد اقتصادی بی‌کاران را کسانی تشکیل می‌دهند که مشکل مالی یا تأمین امرار معاش دارند. ازین‌رو، مرتکب جرایم و بزهکاری می‌شوند. از این منظر بی‌کاری همواره یکی از شاخص‌های بحران

اقتصادی در مطالعات جرم‌شناسی بوده است (بیات ۱۳۸۷: ۱۰۵ - ۱۰۶). مطالعات گذشته، مانند مطالعه فراملی فورم در ۱۹۷۵ و کائو در ۲۰۰۴، بر ناهنجاری نشان داد بی‌کاری نیز مانند متغیرهایی چون سن و جنسیت بر ناهنجاری افراد اثرگذار است و بی‌کاران بیشتر از افراد دارای شغل به ناهنجاری‌های اجتماعی گرایش دارند (Zhao & Cao 2010: 1216). «بسیاری از محققان علوم اجتماعی بی‌کاری و جرم و تبه‌کاری را دست در دست یک‌دیگر می‌دانند (Relly & Weat 1992; Britt 1997; eliot & elingroth 1998; kaposhinsky & Etal 1998; Weat & Etal 1998; Lin 2007; Baonano & Montolio 2008; Baron 2008). نتایج این مطالعات نشان می‌دهد میان منافع اقتصادی و سطوح تبه‌کاری رابطه‌ای منفی وجود دارد» (Hald Andersen 2012: 6). به این ترتیب روشن می‌شود تغییرات و رشد سه متغیر کلان اقتصادی، یعنی حجم نقدینگی و میزان تورم و میزان بی‌کاری، پیامدهای منفی متعددی به‌ویژه در زمینه تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی دارد. اما پیامد وضعیت منفی این متغیرها بر ناهنجاری‌های اجتماعی چگونه مشخص می‌شود؟ به این منظور در اینجا بر سه ناهنجاری کلان اجتماعی، شامل میزان طلاق و میزان جرم و بزهکاری، که با تعداد زندانیان مشخص می‌شود، و همچنین رشد چک‌های برگشتی اشاره می‌شود که در پژوهش‌های متعدد مشخصه‌های مطرح در زمینه شناسایی ناهنجاری اجتماعی شناخته شده‌اند.

### تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی در ایران

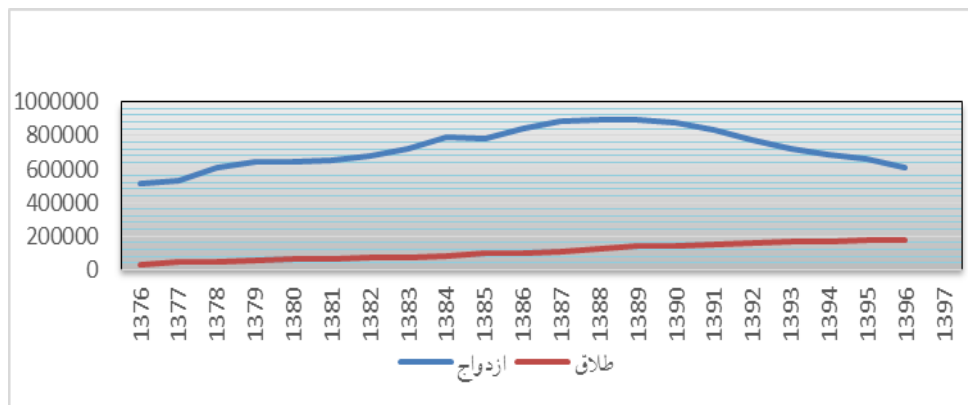
نتایج پژوهش‌های مختلف در ارتباط با وضعیت سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده تضعیف آن در ایران به‌ویژه در طول دو دهه گذشته است. در خصوص چرایی این رویداد فوکویاما اشاره می‌کند که می‌توان به شکلی منفی به سرمایه اجتماعی نگاه کرد. بدین معنا که با توجه به دویعدی بودن (مثبت و منفی بودن) سرمایه اجتماعی از نگاه فوکویاما تشدید وجوه منفی و به تعبیر دقیق‌تر مؤلفه‌های آن به‌ویژه هنجارهای اجتماعی می‌توان به وضعیت سرمایه اجتماعی نیز پی برد. در این نوشتار، بر اساس تأکید نظریه ناهنجاری اجتماعی، بدون شک متغیرهای اقتصادی در این امر دخیل هستند. از این رو تغییر شاخص‌های اقتصادی و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی یکی از علت‌های اصلی تضعیف سرمایه اجتماعی در ایران در دو دهه اخیر شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد دهه ۱۳۷۰ را باید آغاز روند تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی در ایران در نظر گرفت. در تحقیقی که

فرامرز رفیع‌پور در این دهه انجام داد مشخص شد با افزایش انحرافات سازمانی، مانند رشوه و اختلاس، و انحرافات اجتماعی کارهای نامشروع هنجارمند شده‌اند. داده‌های منتشرشده از سوی مراجع رسمی نشان می‌دهد این روند در سال‌های بعد تا امروز سرعت بیشتری به خود گرفته است. برای روشن شدن افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و تشدید وضعیت انومی در جامعه ایرانی این نوشتار بر سه شاخص مهم، یعنی «میزان طلاق» و «میزان جرم و جنایت و تعداد زندانیان» و همچنین «افزایش تعداد چک‌های برگشتی»، که فوکویاما و بسیاری از پژوهشگران حوزه سرمایه اجتماعی بر آن تأکید کرده‌اند، متمرکز می‌شود.

### طلاق

ازدواج و طلاق به‌ظاهر اموری فردی تلقی می‌شوند. اما، به باور بسیاری از جامعه‌شناسان، طلاق را باید به واسطه پیامدهای متعدد جمعی در زمره امور تأثیرگذار بر حیات اجتماعی مورد مطالعه قرار داد. ازدواج و طلاق با مفهومی به نام خانواده گره خورده که هسته مرکزی همه جوامع انسانی را تشکیل می‌دهد. ازین‌رو، طلاق را باید نخستین مرحله گسیختگی اجتماعی در نظر گرفت. فوکویاما خانواده را مهم‌ترین منبع سرمایه اجتماعی و عامل اصلی انباشت و انتقال آن می‌داند. او رابطه مستقیم بین فروپاشی خانواده و افزایش آمار جنایت‌ها، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش اعتماد به نفس، و در نهایت زوال جامعه مدنی را مطرح می‌کند (اسحاقی و همکاران ۱۳۹۱: ۱۰۶). بر اساس مطالعات انجام‌شده در ایران، ۹۵ درصد نوجوانان و جوانانی که به اتهام دزدی در مراکز بازپروری به سر می‌برند فرزندان خانواده‌هایی هستند که پدر و مادر از هم جدا شده‌اند یا یکی از والدین ازدواج مجدد کرده‌اند (کاملی ۱۳۸۶: ۱۹۰). با وجود پیامدهای منفی این پدیده، شاهد افزایش مستمر میزان طلاق در کشور در طول دو دهه گذشته بوده‌ایم.

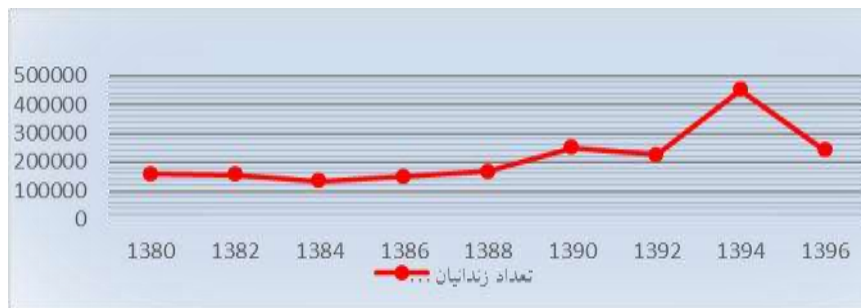
نتایج آماری به‌دست‌آمده از نمودار ۳ نشان می‌دهد میزان طلاق در ایران به صورت خطی و مستقیم در سال‌های مورد بررسی این پژوهش، یعنی نیمه دهه ۱۳۷۰ تا سال گذشته، رو به افزایش بوده است. «در طرف مقابل نسبت ازدواج به طلاق نیز در سال‌های اخیر سیر نزولی داشته است» (بانکی‌پور فرد ۱۳۹۴: ۴۰). افزایش مستمر و بالای نرخ طلاق در کشور نشان‌دهنده تضعیف خانواده بوده که در بطن خود ناهنجاری‌های اخلاقی بسیاری را نیز به دنبال دارد.



نمودار ۳. آمار طلاق و ازدواج در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۷ (منبع: WWW. Sabteahval)

### میزان جرم و جنایت و تعداد زندانیان

نتایج پژوهش‌های متعدد (خراطها و جاوید ۱۳۸۴؛ حسین‌زاده و همکاران ۱۳۹۰؛ افشانی و همکاران ۱۳۹۴؛ بخارایی و همکاران ۱۳۹۵) در شهرهای بزرگی مانند تهران، بندرعباس، یزد، و اهواز در خصوص عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع‌های خیابانی همگی مؤید رشد گرایش به نزاع خیابانی در ایران است (خراطها و جاوید ۱۳۸۴: ۱۶). در خصوص علت این رویداد دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی پژوهش‌های انجام گرفته در ارتباط با ناهنجاری‌های اجتماعی در ایران نشان می‌دهد پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بر پایداری آن‌ها به ارزش‌ها تأثیرگذار است. مثلاً میزان و شدت جرایم بین طبقات پایین‌تر بیشتر از طبقات بالاست (فیروزجانیان ۱۳۸۷: ۱۳۸). پرونده‌های ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی در طول دهه هشتاد نشان می‌دهد بیش از ۵۸۰۰۰۰ پرونده نزاع در پزشکی قانونی مورد رسیدگی قرار گرفته و با گذر زمان تعداد پرونده‌ها بیشتر شده و به عنوان نمونه تنها در سال ۱۳۸۹ به ۶۳۱,۳۸۱ مورد رسیده است (www.Imo.ir). با توجه به نبود آمار دقیق از تعداد منازعات و بزهکاری در کشور در طول سال‌های گذشته می‌توان تعداد زندانیان را شاخصی برای بررسی میزان جرم و جنایت قلمداد کرد. نهاد بین‌المللی تحقیقات سیاست جنایی آمار تعداد زندانیان در ایران را در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ بر اساس داده‌های نهادهای داخلی بررسی کرده که نتایج آن در نمودار ۴ آمده است.



نمودار ۴. تعداد زندانیان کشور در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ (Walmsly 2018: 10)

آمارهای نمودار ۴ نشان می‌دهد تعداد زندانیان در ایران در اغلب سال‌های مورد بررسی این پژوهش رو به افزایش بوده است. بر اساس آمارهای موجود شاخص میزان متوسط زندانیان کشور از ۱۳۸ نفر در هر یک میلیون نفر در سال ۱۳۵۸ به حدود ۲۱۰۰ نفر در هر یک میلیون نفر در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است (رنانی و مؤیدفر ۱۳۹۰: ۴۲). بر اساس آمارهای اعلام‌شده سازمان زندان‌ها تعداد زندانیان در ایران از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۵ با در نظر گرفتن رشد ۶۶ درصدی جمعیت حدود ۳۳۳ درصد افزایش یافته و ایران رتبه ششم را در میان کشورهای آسیایی به لحاظ تعداد زندانی دارد. هرچند در سال‌های اخیر شاهد کاهش آمار زندانیان در کشور هستیم، این نکته مهم را باید در نظر گرفت که بخش زیادی از این کاهش تعداد زندانیان به دلیل تغییرات قانون چک و دیه و مجازات‌های جایگزین زندان بوده و در بسیاری از موارد تعداد ورودی زندانیان کاهش نداشته است. بر اساس پژوهش کشوری موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت ذهنیت مردم در زمینه وضعیت موجود جرم و جنایت در کشور و همچنین وضعیت کشور در پنج سال آینده در همین خصوص منفی و نامطلوب ارزیابی شده است.

همان‌گونه که از داده‌های جدول ۲ مشخص است ۵۴٫۱ درصد پاسخ‌دهندگان این پیمایش کشوری بر این باورند که در خصوص میزان ارتکاب جرایم وضعیت کشور در طول پنج سال گذشته بدتر شده و در سوی دیگر ۵۱٫۲ درصد نیز بر این باور بوده‌اند که میزان جرایم در کشور در طول پنج سال آینده افزایش می‌یابد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۹۴: ۱۹۹). اما شاخص

دیگری با عنوان «میزان صدور چک‌های بی‌محل» هم وجود دارد که می‌تواند تکمیل‌کننده سنجش رشد ناهنجاری اجتماعی در ایران باشد.

جدول ۲. نگرش مردم در زمینه تغییرات شاخص جرم و جنایت در کشور

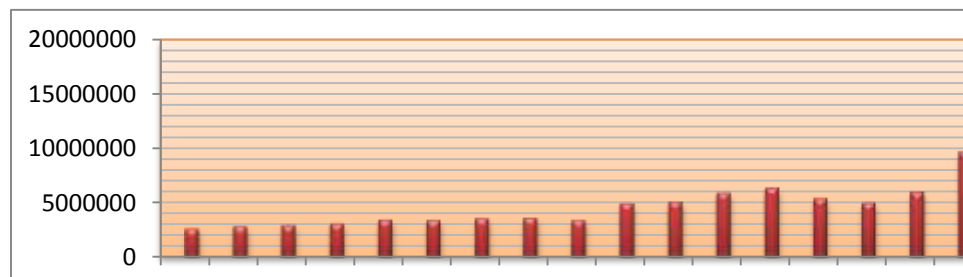
وضع اجتماعی (جرایم)	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
بیشتر شده	۸۰۶۰	۵۴,۱
کمتر شده	۲۷۱۰	۱۸,۲
فرقی نکرده	۳۲۶۵	۲۱,۹
پاسخ معتبر	۱۴۰۳۵	۹۴,۲
جمع	۱۴۹۰۴	۱۰۰
وضع فعلی نسبت به پنج سال قبل		
بیشتر شده	۷۶۳۱	۵۱,۲
کمتر شده	۳۰۷۳	۲۰,۶
فرقی نکرده	۳۸۱۶	۲۵,۶
پاسخ معتبر	۱۴۵۲۰	۹۷,۴
جمع	۱۴۹۰۶	۱۰۰
وضعیت در پنج سال آینده		
بیشتر شده	۷۶۳۱	۵۱,۲
کمتر شده	۳۰۷۳	۲۰,۶
فرقی نکرده	۳۸۱۶	۲۵,۶
پاسخ معتبر	۱۴۵۲۰	۹۷,۴
جمع	۱۴۹۰۶	۱۰۰

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۹۴: ۱۹۹)

### میزان چک‌های برگشتی

چک سندی بانکی است که در ظاهر ماهیتی اقتصادی دارد. اما، در واقع، چک ابزاری برای بیان اعتماد دوطرفه است. سرمایه اجتماعی و مؤلفه مهم آن، یعنی هنجارهای اجتماعی، عموماً به اعتماد اشاره می‌کند و متوجه میزان همکاری یک فرد و تمایل او برای زندگی بر اساس هنجارهای موجود در جامعه و تنبیه کسانی است که بر اساس هنجارها زندگی نمی‌کنند (Woolcock & Narayan 2000: 225-249). چک نیز به مثابه وسیله‌ای برای تسهیل مبادلات اقتصادی با شاخص اعتماد سروکار دارد و بهتر از شاخص‌های دیگر می‌تواند وضعیت کاهش سرمایه اجتماعی را نشان دهد. بررسی میزان چک بلامحل صادرشده در اقتصاد هر کشور می‌تواند نشانی از وضعیت ناهنجاری و در نهایت سرمایه اجتماعی در آن کشور باشد. آمارها نشان می‌دهد میزان صدور چک‌های برگشتی در طول دو دهه گذشته روندی رو به رشد داشته و در سال‌های اخیر به وضعیتی بحرانی رسیده است.





نمودار ۵. تعداد چک‌های برگشتی طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۷ به میلیون برگ (منبع: بانک مرکزی ایران)

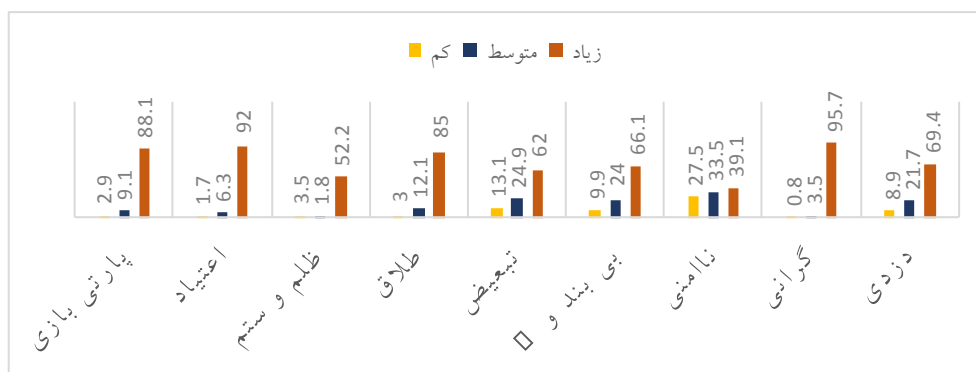
تعداد چک‌های برگشتی از ۴,۹۳ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۱,۸۰ درصد در سال ۱۳۹۱ و ۱۵,۸ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است که می‌تواند نشان‌دهنده افزایش بی‌اعتمادی مردم به یک‌دیگر و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی در کشور طی این سال‌ها باشد (حمیدی‌زاده ۱۳۹۷: ۹۶). این میزان چک برگشتی با توجه به اهمیت چک در روشن کردن فضای اعتماد اقتصادی و کسب و کار حکایت از افول اعتماد و هنجارهای اخلاقی در جامعه دارد که برآمده از فضای منفی کسب و کار، رکود اقتصادی، و تورم بالا در بسیاری از سال‌های مورد بررسی این پژوهش است. بررسی داده‌های به‌دست‌آمده در موج سوم پیمایش کشوری ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ نیز حکایت از بحران اخلاقی در جامعه ایرانی دارد.

۴ داده‌های جدول ۳ روشن می‌سازد ۶۸,۲ درصد پاسخ‌دهندگان پیمایش کشوری ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ بر این باور بوده‌اند که در طول پنج سال آینده رواج صفات اخلاقی منفی در کشور بیشتر خواهد شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بخش وسیعی از جامعه ایرانی به آینده اخلاقی جامعه بدبین‌اند و شرایط اخلاقی جامعه را نامناسب و نامطلوب ارزیابی می‌کنند که نشان‌دهنده تشدید فضای بی‌اعتمادی در کشور است. داده‌های دیگر به‌دست‌آمده در پژوهش سطح کشوری ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نیز بر وضعیت نامطلوب هنجارهای اجتماعی در ایران صحنه می‌گذارد. مثلاً، در موج دوم در پاسخ به پرسشی درباره رواج ناهنجاری‌های اجتماعی در ایران مواردی همچون اعتیاد، طلاق، تبعیض، و ... در سطح بالا ارزیابی شده است.

جدول ۳. نگرش مردم در زمینه وضعیت اخلاقی جامعه

وضعیت اخلاقی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
رواج صفات اخلاق منفی در پنج سال آینده	بیشتر خواهد شد	۶۸,۲
	کمتر خواهد شد	۸,۱
	فرقی نخواهد کرد	۹,۷
	پاسخ معتبر	۱۲۸۱۵
	جمع	۱۴۹۰۶
رواج صفات اخلاقی مثبت در پنج سال آینده	بیشتر خواهد شد	۱۱,۴
	کمتر خواهد شد	۵۹,۹
	فرقی نخواهد کرد	۱۳,۱
	پاسخ معتبر	۱۲۵۸۳
	جمع	۱۴۹۰۶

(منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۹۴: ۱۹۹)



نمودار ۶. وضعیت شاخص‌های ناهنجاری اجتماعی در ایران (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۲: ۲۳۹)

در سال ۱۳۹۴ و در موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نیز پاسخ‌دهندگان اصلی‌ترین مشکلات اجتماعی را موضوعاتی همچون بی‌قانونی، مشکلات فرهنگی، فساد، و نابرابری قلمداد کرده‌اند که شرایط نامطلوب هنجارهای اجتماعی و اخلاقی در کشور را نشان می‌دهد.

### نتیجه و پیشنهاد

نتایج اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی در ایران در سطوح خرد و کلان

از تضعیف سرمایه اجتماعی در کشور حکایت می‌کند. نتایج پژوهش حاضر نیز با اتکا به داده‌های موجود در سطح کشوری، مانند داده‌های موج دوم و سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و همچنین داده‌های موجود متغیرهای اقتصاد کلان کشور، مانند نقدینگی و تورم و بی‌کاری، نشان داد تغییرات در متغیرهای اقتصادی موجب کاهش ناهنجاری اجتماعی و از این طریق سبب افول سرمایه اجتماعی در ایران شده است. البته باید به این نکته توجه کرد که تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی در فاصله سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ به نسبت هشت سال دولت‌های نهم و دهم کمتر بوده و در هشت سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ افزایش فزاینده مواردی همچون نقدینگی و بی‌کاری موجب شده با ضعف در عملکرد نهاد اقتصادی سرمایه اجتماعی نیز با سرعت بالاتری کاهش یابد. به این ترتیب باید گفت شاخص‌های مهم نشان‌دهنده آنومی در ایران در دو دهه اخیر سیری منفی در پیش گرفته است که زنگ خطری برای تداوم افول سرمایه اجتماعی در کشور به حساب می‌آید. از آنجا که تغییر در این متغیرهای کلان اقتصادی فقط با سیاست‌های دولتی و تغییر برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی امکان‌پذیر است، به نظر می‌رسد بیش از هر چیز باید بر نقش دولت در این زمینه تأکید کرد. ازین‌رو، تلاش در جهت اصلاحات اقتصادی کلان و کاهش میزان تورم، بی‌کاری، فقر، و نابرابری در کنار کاهش مداخله دولت در عرصه اقتصاد و ایجاد فضا برای تقویت پایه‌های جامعه مدنی در ایران می‌تواند نقشی اساسی در تقویت هنجارهای اجتماعی و به تبع آن تقویت سرمایه اجتماعی در کشور داشته باشد.

## منابع

۱. آقابابایی، محمدابراهیم (۱۳۹۰). *تورم در اقتصاد ایران* (مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده)، تهران، مرکز پژوهشی - آموزشی کوثر.
۲. *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان* (۱۳۸۲). یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان، موج دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر، و ارتباطات.
۳. *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان* (۱۳۹۴). یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان، موج سوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر، و ارتباطات.
۴. اسحاقی، محمد و همکاران (۱۳۹۱). «سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران»، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰ (۳)، صص ۹۷ - ۱۲۴.
۵. الوانی، مهدی و علی‌رضا شیروانی (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها، و کاربردها)*، تهران، مانی.
۶. بانکی‌پور فرد، امیرحسین و همکاران (۱۳۹۴). «مطالعه کیفی مردان و زنان طلاق‌گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق»، *صص ۳۹ - ۶۴*.
۷. بیات، بهرام و همکاران (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور*، تهران، انتشارات نیروی انتظامی.
۸. پیران، پرویز (۱۳۹۲). *مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی*، تهران، علم.
۹. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، توسعه، و دموکراسی*، تهران، شیرازه.
۱۰. چشمی، علی و هادی امیری (۱۳۸۳). «محاسبه هسته تورم در ایران»، *جستارهای اقتصادی*، ۱ (۱)، صص ۱۲۷ - ۱۵۸.
۱۱. حمیدی‌زاده، علی (۱۳۹۷). «واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران»، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۵ (۱)، صص ۹۱ - ۱۰۹.
۱۲. خراطها، سعید و نورمحمد جاوید (۱۳۸۴). «بررسی علل و عوامل جامعه‌شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲ (۶ و ۷)، صص ۲۷ - ۵۱.
۱۳. دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۶). «تبیین افول سرمایه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، ۶ (۲۳)، صص ۱۴۷ - ۱۷۲.

۱۴. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی* (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران)، تهران، سروش.
۱۵. رنانی، محسن و رزیتا مؤیدفر (۱۳۹۰). *چرخه های افول اخلاق و اقتصاد، سرمایه اجتماعی، و توسعه در ایران*، تهران، طرح نو.
۱۶. زبیری، هدی و سهند ابراهیمی پورفائز (۱۳۹۳). «تورم و کاهش سرمایه اجتماعی ایران»، *برنامه ریزی و بودجه*، ۱۹ (۴)، صص ۱۸۳ - ۲۱۳.
۱۷. سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۶). *دولت و تورم*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. شجاعی باغینی، محمدمهدی و همکاران (۱۳۸۷). *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۹. شهبازی، نجفعلی و همکاران (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی»، *آفاق امنیت*، ۴ (۱۲)، صص ۱۲۵ - ۱۴۳.
۲۰. صالحی امیری، سید رضا و اسماعیل کاوسی (۱۳۸۷). *سرمایه اجتماعی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۱. فاین، بن (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، اقتصاد سیاسی، و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم*، ترجمه سید محمدمکمال سروریان، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۲. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، چ ۲، تهران، حکایت قلم نوین.
۲۳. فیروزجانیان، علی اصغر (۱۳۸۷). «فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه ارزش ها و هنجارهای اجتماعی»، *راهبرد فرهنگ*، ۲، صص ۱۲۳ - ۱۴۷.
۲۴. فیلد، جان (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران، کویر.
۲۵. کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶)، «بررسی توصیف علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود»، *دانش انتظامی*، ش ۳۵، صص ۱۸۰ - ۱۹۸.
۲۶. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه سرمایه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
۲۷. مومنی، فرشاد و بهرام نقش تبریزی (۱۳۹۴). *اقتصاد ایران در دوران دولت ملی*، تهران، نهادگرا.

۲۸. واعظی، محمود (۱۳۹۳). راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی ج.ا.ا. در شرایط جدید بین‌المللی، تهران، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن، و کشاورزی ایران.
۲۹. همس، لزی و فران تونکیس (۱۳۸۷). اعتماد و سرمایه اجتماعی (مجموعه مقالات)، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۰. یاورزاده، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰). مدیریت تورم و استراتژی‌های مهار آن در ایران و جهان، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
31. Amirkhani, Amirhossein & Azam Tadayon (2011). Examining the Influences of Social Capital and Knowledge on Innovation, *World Applied Sciences Journal*, 14 , pp. 1339-1343.
32. Bernburg, Jon Gunner (2002). Anomie, Social Change and Crime, A Theoretical Examination of Institutional-Anomie Theory, *British Journal of Criminology*, 42, pp. 729-742.
33. Bhandari, Humnath & Yasunobu Kumi (2009). What Is Social Capital? A Comprehensive Review of the Concept, *Asian Journal of Social Science*, Volume 37(3), pp. 480-510.
34. Bourdieu, Pierre & Loic J. D. Wacquant (1992). *An Invitation to Reflexive Sociology*, Chicago: University of Chicago Press.
35. Groot, Judith, M. & Geertje De Schuitema (2012). How to Make the UnPopular Popular? Policy Characteristics, *Environmental Science & Policy*, 9(2), pp. 100-107.
36. Hald Andersen, Signe (2012). Unemployment and Crime: Experimental Evidence of the Causal Effects of Intensified ALMPs on Crime Rates among Unemployed Individuals, The Rockwool Foundation Research Unit, Study Paper, 38, pp. 1-28.
37. Hiller, Victor & Recoules Magali (2009). Divorce Decisions, Divorce laws and Social Normes, Preliminary Version, pp. 1-25.
38. Huppes, Tjerk (1976). Anomie and Inflation, *Economics and Sociology: Towards an Integration*, pp. 128-160.
39. Institute For Criminal Policy Research (2018). World Prison Brief Data.
40. Jenkins, Richard (2002). *Pierre Bourdieu*, revised edition, London: Routledge.
41. Lin, Nan (1999). Building a network Theory of Social Capital. *Connections*, 22 (1), pp. 28-51.
42. Messner, S. F. & R. Rosenfeld (2001). *Crime and the American Dream*. Third Edition. Belmont, CA: Wadsworth.
43. Muftic, Lisa R. (2007). Advanced Institutional Anomie Theory: A Micro level Examination Connecting Culture, Institutions and Deviance, *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, Vol 50( 6), pp. 630-653.
44. OECD (2001). *The Well-Being of Nations: The Role of Human and Social Capital*. Paris: Office of Economic Cooperation and Development (OECD).
45. Popitz, Heinrich (2012). Genocide Studies and Prevention, *International Journal*, issue 2(11), pp. 3-12.

46. Stone, Wendy (2001). "Measuring social capital". *Research paper*, Australian Institute of Family studies, 24, pp. 30-45.
47. Teymoori, Ali (2016). *The Psychology of Anomie*, the University of Queensland, School of Psychology.
48. Turner, Jonathan H. (1994). *Sociology: Concepts and Uses*. McGraw-Hill, Inc.
49. Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, & Frans Schryer (1998). Getting the Goods, on Social Capital, *Rural Sociology*, 63(2), pp. 28-47.
50. Walmesly, Roy (2018). World Prison Population List, pp. 1-19.
51. Woolcock, M. & D. Narayan (2000). Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy, *The World Bank Research Observer*, 15(2), pp. 225-249.
52. World Bank (2007). Social Capital for Development. Available at: <http://www1.worldbank.org/prem/poverty/scapital/>.
53. Zhao, Rouhui & Liqun Cao (2010). Social Change and Anomie: A Cross-National Study, *Social Forces*. Vol 88(3), pp. 1209-1229.